

سوپر لیگ آسیا جای غیر حرفه‌ای‌ها نیست

سراب واگذاری و خصوصی‌سازی

فریدون حسن

خارج شدن از چتر حمایت دولت و هر آنچه از ملزومات صدور مجوز حرفه‌ای برای دو باشگاه پرسپولیس و استقلال است، طی تمام این سال‌ها فقط در حد حرف و شعار بوده است.

اصلاً بگذارید حرف آخر را همین اول بزنیم و آن اینکه هیچ دولتی حالا وابسته به هر جناحی نمی‌خواهد این دو را از دست بدهد. تمام آنچه که دیده و شنیده می‌شود صرفاً بازی با افکار عمومی و صدها نقشه‌ای برای دورزدن قوانین سختگیرانه کنفدراسیون فوتبال آسیا در راه حرفه‌ای شدن باشگاه‌های فوتبال در قاره کهن است.

حالا اوضاع متفاوت است، سوپر لیگ آسیا دیگر جای تیم‌هایی نیست که فقط اسم حرفه‌ای شده‌اند و فقط دستمزد های حرفه‌ای می‌گیرند. حالا باید به AFC ثابت کنیم که استقلال و پرسپولیس تمام ملزومات حرفه‌ای بودن را دارند، اما چگونه؟ تا همین دو سال پیش که فقط بحث بدهی‌های کلان این دو مطرح نبود فدراسیون فوتبال با



وقتی AFC از قوانین فیفا لگو می‌گیرد

کابوس مجوز حرفه‌ای

اشرف رامین

تلاش کنفدراسیون فوتبال آسیا برای حرکت در مسیر حرفه‌ای‌گری و پیشرفت، کابوس بزرگی برای باشگاه‌های ایرانی درست کرده است. از آنجا که در فوتبال ما خبری از باشگاه‌داری نیست و تیم‌داری نهایت کار است که انجام می‌شود، جلب رضایت AFC بسیار سخت است. مسئولان آسیایی یک دهه گذشته تلاش کردند تا با لگو گرفتن از فیفا اصول حرفه‌ای این رشته را در قاره کهن اجرا کنند. به همین خاطر کنفدراسیون تصمیم گرفت آیین‌نامه‌ای برای باشگاه‌ها در نظر بگیرد و اجرای آن را تنها راه حضور همه مجموعه استانداردهایی است که باشگاه‌ها باید آنها را دارا باشند و برای اثبات ادعای خود مدرک رسمی ارائه کنند.



بر این اساس پنج معیار اصلی برای این مسئله در نظر گرفته شده و مفاد این معیارها کردام به سه سطح B، A و C دسته‌بندی می‌شوند. رعایت معیارهای A و B الزامی هستند و ما آگاه هستند. در حال حاضر مالکیت دولتی مورد اشاره به منزله عدم صدور مجوز حرفه‌ای تلقی می‌شوند. فاکتورهای ورزشی، زیرساختی، کارکنان و کارمندان، مالی و حقوقی همان پنج معیار اصلی مدنظر AFC هستند. در این بین رعایت الزاماتی چون داشتن تیم‌های پایه، اجرای برنامه توسعه جوانان، داشتن استادبوم اختصاصی، داشتن چارت مدیریتی و منابع انسانی، استفاده از سر مربی یا مدرک A مربیگری برای تیم اصلی، شفافیت مالی شامل دخل و خرج سالانه، حسابرسی، اموال و دارایی‌ها، مالیات، بدهی‌ها، درآمد، حق پخش، اسپانسر، تبلیغات و مالکیت از مهم‌ترین موارد محسوب می‌شوند. در واقع این موارد همان نکاتی هستند که فیفا برای تمامی کنفدراسیون زیرمجموعه خود

در نظر گرفته و همه باشگاه‌های جهان برای حضور در رقابت‌های بین‌المللی راهی جز رعایت این نکات ندارند. همانطور که اشاره شد فوتبال ما به تیم‌داری عادت کرده آن هم با قوانین من‌در آوردی و به جای ضابطه، رابطه حرف اول را می‌زند. در نتیجه باشگاه‌داری حرفه‌ای برایمان بسیار دشوار و حتی غیرممکن است. در چنین شرایطی است که کسب مجوز حرفه‌ای به یک رویا برای باشگاه‌ها می‌تبدیل شده و در چند سال اخیر بارها این رویا نقش بر آب شده است.

حذف استقلال و پرسپولیس از آسیا آب سردی بوده بر پیکر فوتبال بی‌جان ایران و آبی‌ها طعم تلخ حذف را دو بار چشیده و قمرها یک بار. جدیت مقامات آسیا برای سوق دادن باشگاه‌های این قاره به سمت حرفه‌ای شدن تنها شامل حال تیم‌های ایرانی نشده و حذف تیم‌های متمول الاتحاد و النصر عربستان از لیگ قهرمانان ثابت کرده AFC دیگر حتی با دلاری نفتی و اعمال نفوذ سعودی‌ها نیز از مواضعی کوتاه نمی‌آید. همچنین سندساز باشگاه‌های ایرانی هم دیگر برایشان موضوعی تکراری شده و آنها به خوبی از بلبشوی فوتبال ما آگاه هستند. در حال حاضر مالکیت دولتی مشترک، نداشتن شفافیت مالی، نداشتن ورزشگاه اختصاصی و بدهی‌های سنگین عمده جالب‌های باشگاه‌های کشورمان برای کسب مجوز حرفه‌ای هستند. سرخایی‌های پایتخت هم همچون چند دهه گذشته گمانان اسیر مالکیت دولتی و مشترک و وزارت ورزش هستند و تنها تا پنجم اردیبهشت فرصت دارند با ارائه مدارک واقعی و مستند سران کنفدراسیون و وزارت راه و ترابری بسپارند در دوره‌ای که محمد علی‌آبادی رئیس سازمان تربیت بدنی بود، قرار شد این واگذاری‌ها طی پروسه پنج ساله انجام شوند و مسوق دادن دو باشگاه به سمت سوددهی دلیل اصلی این تصمیم اعلام شد، ولی منجر شد.



در حالی که انتظار نمی‌رفت پروژه‌های شکست خورده سابق دوباره اجرایی شوند، اما باز هم اخباری مبنی بر واگذاری سوری سرخایی‌ها به وزارت‌های مختلف منتشر شده است. اولین باری که شنیدیم این دو باشگاه قرار است از مالکیت ورزش در بیایند و مسئولیت‌شان به ارگان‌های دیگر سپرده شود. دی ۱۳۸۷ بود. در آن سال‌ها هنوز وزارتخانه تشکیل نشده بود و سازمان تربیت بدنی قبل از انتخابات حساس سال ۸۸ تصمیم گرفت سرخوشان را به وزارت صنایع و معادن واگذار کند و استقلال را نیز به وزارت راه و ترابری بسپارند در دوره‌ای که محمد علی‌آبادی رئیس سازمان تربیت بدنی بود، قرار شد این واگذاری‌ها طی پروسه پنج ساله انجام شوند و مسوق دادن دو باشگاه به سمت سوددهی دلیل اصلی این تصمیم اعلام شد، ولی



از فروش به اشخاص حقیقی تا واگذاری به نهادهای خصوصی و دولتی طرح‌هایی برای انجام نشدن!

شورایکو، تنها متقاضی خرید باشگاه استقلال در مزایده سرخایی‌ها به دلیل پرداخت نکردن مبلغ و سپرده (۸ میلیارد و ۷۰۰ میلیون تومانی) کنار گذاشته شده است.

با ناکام ماندن واگذاری سرخایی‌ها به بخش خصوصی از طریق مزایده، بحث واگذاری از طریق بورس و فرابورس مطرح شد. سال



نه برنامه داریم نه عزم

نگاه | فریدون حسن

دو باشگاه بزرگ پایتخت باید حرفه‌ای شوند، اما این حرفه‌ای شدن مستلزم داشتن فاکتورهایی است که آنها سال‌هاست از آن بی‌بهره‌اند. کنفدراسیون فوتبال آسیا الزاماتی را مشخص کرده که سرخابی‌های پایتخت با اغماض در مورد یکی دو بند آن بقیه را اصلاً ندارند. مثلاً ورزشگاه اختصاصی ندارند. مالکیت مستقل ندارند و از همه بدتر اینکه بدهی روی بدهی دارند و تا دلتان بخواهد صاحب پرونده‌های مفتوح شکایات در مجامع بین‌المللی هستند. سؤال اینجاست که آیا این دو باشگاه اصلاً صلاحیت حرفه‌ای بودن را دارند؟ به طور حتم پاسخ در اوضاع کنونی و آنچه در تمام سال‌های گذشته پشت سر گذاشته شده، منفی است. استقلال و پرسپولیس دو تیم تحت مدیریت وزارت ورزش هستند که به صورت مستقیم و غیرمستقیم از بیت‌المال برداشت می‌کنند. نه ورزشگاه اختصاصی دارند، نه مالک جدا و بدهی‌ها هم که کاملاً مشخص است. سؤال دوم اینجا مطرح می‌شود که آیا عزمی برای حرفه‌ای شدن این دو باشگاه وجود دارد؟ پاسخ مثبت است، اما...



همه چیز در همین خلاصه می‌شود. اما با هزار حرف و حدیث، این یعنی اینکه سیستم ورزش و فوتبال ما اصلاً مسیر خصوصی‌سازی را بلد نیست. این سیستم راه را اشتباه می‌رود و نتیجه آن هم کاملاً مشخص است. تجربه تاریخی به ما می‌گوید که باشگاه‌های بزرگ و نامدار و با قدمتی چگونه در این مسیر نایب شده و برای همیشه را بادها رفته‌اند. طبیعی است که پیمودن این مسیر غلط در خصوص سرخایی‌های پایتخت نتیجه‌ای جز نابودی آنها نخواهد داشت. به جرئت می‌توان گفت که محبوبیت این دو تیم و تأثیر گذار بودن آنها در تحولات اجتماعی تاکنون جلوی بروز این فاجعه را گرفته و باعث شده آنها بعد از هر خیمه شب‌بازی در خصوص این دو باشگاه دوباره به دامان وزارت ورزش برگردند و الا اسل‌ها قایل این دو هم نایب شده بودند. تمام اینها ثابت می‌کند که هیچ برنامهریزی و هدفی برای خصوصی‌سازی یا واگذاری وجود ندارد و اینگونه می‌شود که این هدف هیچ‌گاه محقق نمی‌شود و تمام تجربه‌های گذشته هم با شکست روبه‌رو شده است. بنابراین به نظر می‌رسد اگر وزارت ورزش به واقع خواستار تغییر مالکیت و خصوصی‌سازی شدن این دو باشگاه است، باید برنامهریزی درستی برای تحقق این خواسته داشته باشد. باید کار به دست کاران سپرده شود و خود وزارت هم از صفر تا ۱۰۰ تا رسیدن به نتیجه مطلوب پیگیری ماجرا باشد. حالا در نظر بگیرید تمام آنچه که گفته شد بسیاری موارد دیگر که حواصلاً تفاهل این کوتاه خارج است تنها مربوط به قدم اول واگذاری و تغییر مالکیت است، اما قدم مهم‌تر سپردن این دو باشگاه به مؤسسات معتمد و کاربلد است. به گونه‌ای که مشکلات بعدی آنها را حل و فصل کند؛ مشکلاتی نظیر نداشتن ورزشگاه و پرداخت بدهی‌ها، آنچه مسلم است تنها همین دو مشکل عمده می‌تواند بسیاری از طالبان دو باشگاه را منصرف کند. پس بیره نیست اگر عنوان کنیم سرخایی‌ها وزارتتی بوده‌اند، وزارتتی هستند و وزارتتی خواهند ماند. چون نه تنها برنامهریزی درستی برای واگذاری وجود ندارد، بلکه وقت جدی هم دیده نمی‌شود.

سابقه بد خصوصی‌سازی فوتبال در ایران

هیچ تیمی روز خوش ندید

شیمین رضوان

خصوصی‌سازی در فوتبال ایران سابقه درخشانی ندارد. به طوری که طی سال‌های اخیر جز تراکتور همه تیم‌هایی که بحث واگذاری آنها به میان آمده یا برای همیشه منحل شدند یا به خاک سپاه نشستند. راه‌آهن اولین باشگاه ورزشی بود که از سوی سازمان خصوصی‌سازی برای فروش انتخاب شد. نخستین بار در ۱۳۹۰ بود که سهام این باشگاه به فرابورس عرضه شد، اما به دلیل نداشتن مشتری، قیمت پایه آن کاهش یافت و شرایط واگذاری هم تغییر کرد. واگذاری این باشگاه می‌توانست راه را برای خصوصی‌سازی سرخابی‌های پایتخت باز کند. با این وجود دست آخر در پی همین واگذاری سال ۹۸ باشگاه راه‌آهن به عنوان یکی از نخستین باشگاه‌های فوتبال ایران که فعالیت خود را سال ۱۳۰۶ آغاز کرده بود، بعد از سال ۹۲ فعالیت ورزشی منحل شد. تراکتور تنها باشگاه فوتبال ایران بوده که بعد از واگذاری به بخش خصوصی همچنان سرپاست و توانسته به حیات خود ادامه دهد. این باشگاه که طرفداران زیادی در تبریز دارد، سال ۱۳۴۹ با نام تراکتورسازی تبریز راه‌اندازی شد و اواسط سال ۱۳۹۸ به بخش خصوصی (شخص) واگذار شد، اما نه به سرنوشت راه‌آهن که با سقوط مداوم به دسته‌های پایین‌تر کارش خاتمه یافت، دچار شد نه سرنوشت تیم‌هایی را تجربه کرد که با بهانه واگذاری و خصوصی‌سازی به شهرهای دیگر منتقل شدند تا روز خوش نیینند.



نفت تهران، یکی دیگر از باشگاه‌های باسابقه‌ای بود که به دلیل عبیب و ایراد گرفتن به تیم‌داری و زات نفت منحل شد. تیمی که گفته می‌شد قرار است به بخش خصوصی واگذار شود، اما چند سال بعد از آنکه بحث واگذاری آن مطرح شد، برای همیشه منحل شد؛ از مزایای واگذاری باشگاه نفت تهران به بخش خصوصی از ابتدای سال ۱۳۹۵ بر سر زبان‌ها افتاد. نفتی که سال ۱۳۲۹ تأسیس و یکی از تیم‌های موفق فوتبال ایران بود، این باشگاه به بخش خصوصی و شرکت بهنام پیشری کیش واگذار شد، اما شرط وزارت نفت و هیئت انما و واگذاری با بدهی‌ها بود که باعث شد نه تنها واگذاری انجام نشود که باشگاه نفت بعد از ۶۸ سال فعالیت منحل شود. پاس یکی دیگر از باشگاه‌هایی بود که بحث واگذاری آن به بخش خصوصی مطرح شد، اما جاد واگذاری به بخش خصوصی از همدان سرودر آورد. این در حالی بود که سرودر ابوالحسن گلکمانی مدیر کل تربیت بدنی ناجا سرحتاً در برنامه ورزش و مردم گفت که تیم فوتبال پاس با توجه به بحث خصوصی‌سازی از نیروی انتظامی گرفته شد. پاس به عنوان آخرین تیمی که موفق به کسب عنوان قهرمانی در جام‌استقلال آسیا شد، فعالیت خود را از سال ۱۳۳۲ با نام شهرپان آغاز کرد و سال ۱۳۴۲ به پاس تغییر نام داد. این باشگاه به بهانه واگذاری به بخش خصوصی، سال ۸۶ به همدان منتقل شد تا با پسرقتی مشهود نشانی از آن باقی نماند. صبا باتری یکی باشگاه ورزشی تحت پشتیبانی مالی شرکت باتری‌سازی نیرو وابسته به وزارت دفاع بود. این باشگاه در سال ۱۳۸۰ با خرید امتیاز باشگاه صنایع شکل گرفت و در پنج رشته ورزشی به فعالیت پرداخت و اتفاقاً به دو قهرمانی در جام حذفی فوتبال یک قهرمانی در سوپر جام هم دست یافت. بعد از انتقال به قهر در سال ۹۳ بحث واگذاری آن به بخش خصوصی پیش کشیده شد و استاندار قم مدعی شد این تیم تا سال ۹۴ به بخش خصوصی واگذار می‌شود، اما بعد از سقوط این تیم به دسته دو، مسئولان استان قم تمایلی از خود به تیم‌داری نشان ندادند تا این باشگاه سال ۱۳۹۸ برای همیشه منحل شود.

سندسازی و هزار و یک ترفند دیگر کنفدراسیون را برای حضور آنها در رقابت‌های جام باشگاه‌ها قانع می‌کرد، اما ماجرای سوپر لیگ متفاوت است.

فوتبال باشگاهی آسیا می‌خواهد در مسیر رشد و اعتلا حرکت کند. کشورهای دیگر این کار را به درستی انجام داده‌اند و آنها هم که نتوانسته‌اند خیلی راحت کنار رفته‌اند، اما اینجا دو تیم همیشه بدهکار پایتخت با مدیریت وزارت ورزش همچنان در حال دست و پا زدن بی‌هوده هستند تا هر طور شده به آسیا بقبولاند که حرفه‌ای هستند.

نام‌های زیادی هم به میان آمده از وزارتخانه‌های مختلف گرفته تا بانک‌ها و مؤسسات، اما آنچه در نهایت اتفاق افتاده ماندن سرخابی‌ها برای وزارت ورزش بوده است، چون اصولاً عزمی برای انتقال وجود ندارد. اینبار هم هر چند سر و صدای بیشتری به راه افتاده، اما تجربه تمام سال‌های گذشته به ما می‌گوید که اتفاقی رخ نخواهد داد. حالا این کنفدراسیون فوتبال آسیاست که آیا مثل همیشه حرفه‌ای بودن دروغین این دو باشگاه را بپذیرد یا اینکه آب پاکی را روی دستشان بریزد.

سرخایی‌ها همچنان در مالکیت وزارت ورزش هستند

واگذاری‌های دولتی و مانورهای تبلیغاتی

شیوا نوروزی

دو باشگاهی که باید سال‌ها پیش خصوصی می‌شدند هنوز تحت حمایت دولت هستند و حالا سخت‌گیری‌های مقامات آسیا مشکلات زیادی برایشان ایجاد کرده است. پرسپولیس و استقلال به عنوان پرطرفدارترین تیم‌های ایران و قاره آسیا به جای آنکه همانند رقبای سر سخت‌شان مشغول اجرای برنامه‌های بلندمدت پیشرفت و ترقی باشند، همچنان با مشکل مالکیت مشترک دست‌وپنجه نرم می‌کنند. همین حمایت‌های گسترده مردمی باعث شده سرخایی‌ها تا به امروز در مالکیت وزارت ورزش باقی بمانند و در هیچ دوره‌ای هیچ دولتی حاضر نشده از این دو تیم دست بکشد. در این سال‌ها تنها برخی اقدامات نمایشی و تبلیغاتی صورت گرفته و آن هم بر افزایش مشکلات افزوده است.

در حالی که انتظار نمی‌رفت پروژه‌های شکست خورده سابق دوباره اجرایی شوند، اما باز هم اخباری مبنی بر واگذاری سوری سرخایی‌ها به وزارت‌های مختلف منتشر شده است. اولین باری که شنیدیم این دو باشگاه قرار است از مالکیت ورزش در بیایند و مسئولیت‌شان به ارگان‌های دیگر سپرده شود. دی ۱۳۸۷ بود. در آن سال‌ها هنوز وزارتخانه تشکیل نشده بود و سازمان تربیت بدنی قبل از انتخابات حساس سال ۸۸ تصمیم گرفت سرخوشان را به وزارت صنایع و معادن واگذار کند و استقلال را نیز به وزارت راه و ترابری بسپارند در دوره‌ای که محمد علی‌آبادی رئیس سازمان تربیت بدنی بود، قرار شد این واگذاری‌ها طی پروسه پنج ساله انجام شوند و مسوق دادن دو باشگاه به سمت سوددهی دلیل اصلی این تصمیم اعلام شد، ولی

سرمایه پرسپولیس و استقلال نیز از جمله مواردی بود که باید انجام می‌شد اما نشد؛ در حالی که ارزش گذاری دو باشگاه نیز انجام شده بود. این بحث سال ۱۴۰۰ بار دیگر به‌طور جدی پیش کشیده و پذیره نویسی سهام این دو باشگاه ۷۰۰ میلیارد تومان بر آورد شد. هر چند که باز هم تکمیل اعضای هیئت‌مدیره دو باشگاه و تعیین تکلیف وضعیت ثبتی آنها، تعیین تکلیف برندن دو باشگاه استقلال و پرسپولیس که باید مالکیت برنده در دو باشگاه به خودشان منتقل شود و تعیین تکلیف کمپ ناصر حجازی و مرغوبسکار از جمله مشکلات بود، اما سرانجام نیمه دوم اسفند ۱۴۰۰ بود که پای پرسپولیس و استقلال به تالار شیشه‌ای باز شد تا فرآیند واگذاری ۱۰ درصد از سهام این دو باشگاه به مردم آغاز شود.

این بار سهام عرضه و هواداران دو تیم اقدام به خرید آن کردند و اتفاقاً فروش سهام به خوبی پیش رفت به طوری که در طول هیچ استقبالی از خرید ۱۵۱ درصدی سهام باشگاه‌های استقلال و پرسپولیس در فرابورس، ۱۵۵ میلیارد و ۸۰۰ میلیون تومان از سهام دو باشگاه خریداری شد. سهامی که قرار بود پولش برای زیرساخت‌های دو باشگاه خرج شود، اما هزینه پرداخت مطالبات باز بکنان شد. ولی از آنجا که فروش ۱۰ درصد از سهام دردی از مشکل مالکیت مشترک حل نمی‌کرد، قرار شد در گام بعدی ۵۱ درصد از سهام دو باشگاه عرضه شود تا سهم وزارت ورزش تنها ۴۹ درصد باشد. زمان عرضه سهام این بار دی ماه ۱۴۰۲ بود که هیچ استقبالی از خرید ۱۵۱ درصدی سهام نشد تا در نوبت بعدی، ۱۱ فروردین از زمان عرضه سهم پرسپولیس و ۲۲ فروردین از زمان عرضه سهام استقلال اعلام کردند. اما معاملات روز شنبه این بازار بدون فروش سهام پرسپولیس به پایان رسید. اتفاقی که برای استقلال هم عیناً تکرار شد تا مشخص شود مرتبه اول هم که فروش سهام (به صورت خرد) موفق بود، به دلیل استقبال هواداران دو تیم بوده و حالا وزارت تنها تا ۱۵ اردیبهشت ماه برای واگذاری این دو باشگاه جهت حل مشکل مالکیت و اخذ مجوز حرفه‌ای زمان دارد. در غیر این صورت باید منتظر محرومیت آنها از حضور در آسیا باشد.